

دادگاهی کارگران داغ ننگی دیگر بر پیشانی رژیم اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی قرار است در روز ۱۲ مرداد ۱۳۹۸ برابر با سوم اوت ۲۰۱۹ اسماعیل بخشی، علی نجاتی از فعالین و رهبران کارگران هفت تپه و سپیده قلیان، ساناز الهیاری، امیر قلی، امیر حسین محمدی فرد از فعالان سیاسی و از حامیان و یاران جنبش کارگری ایران را در یکی از بیدادگاه های خود محاکمه کند. این فعالین کارگری و حامیان دلسوز آنان فقط به جرم دفاع از حقوق کارگران بیش از هفت ماه است که در شرایط سخت زندان به سر می برند. از زمانی که عوامل امنیتی رژیم سرمایه داری اسلامی در آذر ماه سال گذشته و در جریان اعتصاب و اعتراضات یکپارچه و متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز با یورش شبانه نمایندگان کارگران هفت تپه و بیش از چهل نفر از کارگران فولاد اهواز را دستگیر و روانه زندان کردند، رژیم اسلامی همچنان چماق زندان و شکنجه و سرکوب را بالای سر کارگران نگه داشته است. از آن زمان تاکنون هر گاه ندای اعتراض و زمزمه به راه انداختن اعتصاب به گوش دستگاه اطلاعاتی رژیم رسیده، نهادهای سرکوب رژیم با احضار و تهدید کارگران این دو مجتمع صنعتی را تحت فشار قرار داده اند. رژیم با به بند کشیدن و محاکمه رهبران کارگری و حامیان آنان در صدد است که هم از فعالان جنبش کارگری زهر چشم بگیرد و هم هزینه حمایت و همراهی فعالان سیاسی و اجتماعی با کارگران را بالا ببرد.

رژیم جمهوری اسلامی در برخورد به بازداشت شدگان روز جهانی کارگر نیز همین رویه و سیاست را در پیش گرفته است. در تجمع روز کارگر در تهران که بیش از پنجاه نفر از کارگران و بازنشستگان و دانشجویان دستگیر شدند برای همگی آنها پرونده های قضایی تشکیل شد. با اینکه اکثریت آنها با قرار وثیقه آزاد شدند، اما همچنان در



**بیدادگاه رژیم علیه کارگران هفت تپه و نشریه گام
از مصادیق سرکوب آزادی و جنبش کارگری است!**

**بیانیه سیاسی نیروهای چپ و کمونیست
آلترناتیوسازی بورژوائی:
علیه منافع کارگران و مردم ایران**



"همه با هم"؟!!

آماده باش ترکیه برای فرات خون در روژ آوا

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هنیت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴ با سایز ۱۲ است.

آورده است. تا زمانی که جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران و اقشار فرودست جامعه ادامه دارد، روند تکامل این مبارزات هم ادامه خواهد داشت. چون کارگران تنها در حال جنبش و حرکت می توانند برای تکامل مبارزات خود فرصت ایجاد کنند و در شرایط کنونی جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران بهترین فرصت را برای تکامل و پیشروی جنبش کارگری ایجاد کرده است. دستاوردهای تاکنونی جنبش کارگری در زمینه سازماندهی، پرورش فعالین و رهبران کارگری، برقراری پیوند با دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی و غلبه کردن بر احساس ضعف و درماندگی اساساً از دستاوردهای همین جنبش اعتراضی می باشند.

کارگران در دل مبارزات جاری، با تکیه بر این دستاوردها و با غلبه بر احساس درماندگی، زمانی که می اندیشند، دیگر زیر بار ستم نمی روند و بر مبنای همین برداشت خود وارد عمل می شوند، انقلاب را در چشم انداز قرار می دهند. رژیم جمهوری اسلامی بنا به غریزه طبقاتی از جایگاه جنبش جاری کارگران و نقشی که فعالان و رهبران کارگری می توانند در تکامل و سازمانیابی این جنبش داشته باشند آگاه است و از همین رو است که علیه فعالان و پیشروان جنبش کارگری و حامیان آن شمشیر را از رو بسته است. اگر رژیم جمهوری اسلامی می خواهد با بگیر و ببند و زندان و شکنجه و محاکمه از رهبران کارگری چشم بگیرد و هزینه حمایت از جنبش کارگری را بالا ببرد، جنبش کارگری نیز با همت رهبران و حامیان دلسوز خود باید تلاش کند که هزینه سیاسی این افسار گسیختگی رژیم جمهوری اسلامی علیه جنبش کارگری را سنگین و سنگین تر کند. باید تلاش کرد همانگونه که نقشه اعتراف گیری زیر شکنجه تحت عنوان "طراحی سوخته" به منظور مرعوب کردن فعالین کارگری به کمپینی سیاسی علیه شکنجه و علیه جنایات رژیم تبدیل شد، دادگاهی فعالان کارگری و حامیان جنبش کارگری در روز ۱۲ مرداد را نیز به عرصه ای برای رسوا کردن هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی و کوبیدن داغ ننگ بر پیشانی سران آن تبدیل کرد.

معرض خطر احضار و بازداشت و صدور احکام زندان هستند. در این میان چهار تن از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر به اسامی ندا ناجی، مرضیه امیری، عاطفه رنگریز و آینشا اسداللهی هنوز در بلا تکلیفی مطلق به سر می برند.

تشدید فشارهای رژیم جمهوری اسلامی بر فعالین جنبش کارگری و حامیان و یاران دلسوز کارگران بر متن تداوم اعتصابات و مبارزات کارگران و اعتراضات اقشار فرودست جامعه بی قفه جریان دارد. این فشارهای پلیسی در شرایطی ادامه دارد که از روز یکشنبه ۳۰ تیر ماه تا روز سه شنبه ۱ مرداد ۱۳۹۸ یعنی فقط در طی سه روز ما شاهد دست کم ۱۸ مورد اعتصاب و اعتراض کارگری و اعتراضات فرودستان جامعه بوده ایم. برای نمونه می توان به تجمع اعتراضی کارگران کتور سازی قزوین، تجمع کارکنان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس عسلویه، تجمع کارگران قراردادی گیت های اخذ عوارض آزادراه قزوین، تجمع بازنشستگان شرکت مخابرات راه دور شیراز، تجمع کارکنان شرکت های سهام عدالت، تجمع معلمان حق التدریس اصفهان، تجمع کارکنان بیمارستان آریا در شهر رشت، تجمع بیکاران شهرستان هویزه، تجمع کارکنان "مترو هولدینگ" در تهران در طی همین سه روز اشاره کرد.

این اعتصابات و اعتراضات نشان می دهند که به رغم اثرات منفی تنگ تر شدن حلقه تحریم های بین المللی و گسترش فقر و فلاکت اقتصادی و تشدید فضای جنگی و امنیتی بر روند تداوم مبارزات کارگری و توده ای، رژیم جمهوری اسلامی نمی تواند با تکیه بر حربه سرکوب از تداوم اعتراضات کارگری و توده ای جلوگیری کند. این فاکتورها و عوامل منفی اگر چه در کوتاه مدت روند رشد و گسترش این اعتراضات را کند می کند، اما نمی تواند مانع تداوم آن شود. بنابراین مبارزات کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر اقشار فرودست جامعه بطور اجتناب ناپذیر ادامه خواهد داشت، چون آن مصائب، بی حقوقی ها و محرومیت هایی که طبقه کارگر و اقشار فرودست جامعه را به میدان مبارزه و رویارویی با جمهوری اسلامی کشانده است و آن مطالباتی که پرچم آن را برافراشته اند عمیقاً ریشه در مناسبات سرمایه داری، فساد نهادینه شده و بحران مزمنی دارد که سر تا پای این نظام را فرا گرفته است. جمهوری اسلامی نه تنها از پاسخگویی به این خواسته ها و مطالبات مستأصل و درمانده است، بلکه با تشدید فقر و فلاکت و گسترش بیکاری زمینه عینی برای گسترش این اعتراضات را فراهم

تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

h.falain@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱
۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹
۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات
دلال کومه له (فکس)

takesh.komalah@gmail.com





بیانیه سیاسی نیروهای چپ و کمونیست آلترناتیوسازی بورژوازی: علیه منافع کارگران و مردم ایران

۱ - با تشدید بحران جمهوری اسلامی و گسترش تنش و تبلیغات جنگی بین دولت‌های آمریکا و جمهوری اسلامی، ما شاهد تشدید تحرک اپوزیسیون راست و بروز امیدواری‌های آنها برای وقوع یک جنگ، تلاقی نظامی با جمهوری اسلامی و از این طریق مطرح شدن و یا شکل‌گیری یک راه حل دست راستی جایگزین، بطرق مختلف هستیم. امپریالیسم آمریکا در راستای تامین منافع خود و متحدینش در منطقه خاورمیانه برای "رام کردن" جمهوری اسلامی تلاش میکند، همراه با این سیاست بخش‌هایی از حکومت و حاشیه حکومت که طرفدار مذاکره فوری اند، با اتکا به دیپلماسی و بند و بست امیدوارند با حداقل تغییرات کنترل شده و ترجیحاً بدون دخالت مردم در درون رژیم، خود را با اهداف و سیاست‌های مورد نظر آمریکا و هم‌پیمانانش هماهنگ کنند. نقشه راهی که با تشدید مبارزات کارگران و توده مردم علیه کلیت جمهوری اسلامی، افقی ندارد و میتواند و باید به شکست کشانیده شود. بخشی دیگر که علناً و به زبان‌های مختلف از "رژیم چینج" دفاع می‌کنند، با شکست پروژه‌های تاکتونی‌شان تنها راه را تشدید فشار سیاسی و اقتصادی و نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی و حمایت از جریان و یا ائتلافی از جریان‌های بورژوازی بعنوان "دولت جانشین" می‌دانند. تحریم اقتصادی و جنگ و تشدید بحران در اشکال تقابل نظامی محدود یا گسترده، به تنها امید این جریان‌ها برای نزدیک شدن به قدرت سیاسی و لذا "آلترناتیو شدن" بدل شده است. برای این اردو معنی واضح "آلترناتیو" دست راستی یعنی حفظ نظام سرمایه‌داری بدون حکومت اسلامی است. طبقه سرمایه‌دار ایران با تمام جناح‌ها و گرایش‌های آن نشان داده است که در تمام مراحل رشدش نه تنها هیچگاه نیازی به استقرار آزادی‌های سیاسی نداشته و ندارد، بلکه شرایط دیکتاتوری و استبداد به همراه فساد گسترده اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تنها منبع ادامه حیاتش را تشکیل می‌دهد. طبقه مُنحط و فاسدی که مانع عمده تحولات اقتصادی اجتماعی و سیاسی به نفع توده‌های زحمتکش مردم است. اکنون گسترش و عمیق شدن شدید شکاف طبقاتی، بیش از هر زمان جامعه را به دو بخش اقلیت ناچیز استثمارگر و ستمگر و غارتگر و اکثریت عظیم طبقه کارگر و مردم تحت ستم و استثمار، تقسیم نموده است. این اقلیت استثمارگر و ستمگر که بر مُقدرات مردم حُکم می‌راند تمامی امکانات رفاهی و ثروتهای اجتماعی و اقتصادی جامعه را بزور سرنیزه و سرکوب در اختیار گرفته است. اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان جامعه که از چهل سال

بیدادگاه رژیم علیه کارگران هفت تپه و نشریه گام از مصادیق سرکوب آزادی و جنبش کارگری است!

سیاست جمهوری اسلامی از آغاز بر سرکوب و کشتار و زندان و شکنجه استوار بوده است. مقابله با این سیاستها و موجودیت جمهوری اسلامی علیرغم افت و خیزهای بسیار اگرچه همواره در جریان بوده است، اما خیزش‌های دی ماه ۹۶ بود که آثر خطر را برای کل رژیم به صدا درآورد و جنبش کارگری با طرح شعار "نان - کار - آزادی" و "اداره شورایی" او را به وحشت مرگ انداخت. حمله به فعالین کارگری و پیشروان جنبش‌های اجتماعی و آزادیخواهان و تلاش برای حاکم کردن فضای رعب و وحشت و استیلا بر کنترل‌های از دست رفته در عرصه‌های مختلف اجتماعی و مقابله با ارتقا سطح مبارزات کنونی است. یاری گرفتن از فضای ملتهب تهدیدات و لفاظی‌های جنگی و تهدیدات دشمن خارجی اهرم‌هایی است که رژیم بیهوده امیدوار است به مدد آنها بتواند سرکوب اعتراضات را تسهیل کند. کارگران و زنان و گروه‌های مختلف اجتماعی تحمل شان به سر آمده است و در اشکال مختلف به خیابان می‌آیند. دستگیری شکنجه و قتل اگر قادر بود آنها را به سکوت وادار کند تا کنون قضیه فیصله یافته بود. موج‌های اعتراض پس یکدیگر و هر بار قوی تر از پیش فرا می‌رسند. جمهوری اسلامی خطر را دریافته است و برای بقاء خویش به هر ریسمانی چنگ می‌زند. بیدادگاه ۱۲ مرداد علیه امیر امیرقلی، عسل محمدی، علی نجاتی، ساناز الهیاری، سپیده قلیان، امیرحسین محمدی فرد و اسماعیل بخشی، نمونه‌ای کامل از این استیصال و عمل جنایتکارانه است. بیدادگاهی که همچون هزاران مورد از این دست بر علیه انقلابیون مبتنی بر پرونده سازی و شکنجه و سناریو نویسی است. کارگران و زحمتکشان ایران این زندانیان سیاسی را می‌شناسند و در دقایق مبارزات آنان همدلانه حضور داشته‌اند و به چیزی جز آزادی بدون قید و شرط آنها تن نمی‌دهند. این کارگران و آزادیخواهان شجاع در کف کارخانه و خیابان افشاگر ماهیت ضد کارگری و ضد آزادی رژیم شده‌اند و در این بیدادگاه‌ها نیز جز این کاری نخواهند کرد.

ما امضاکنندگان این اطلاعیه که برای سرنگونی انقلابی جمهوری سرمایه داری اسلامی و یک آلترناتیو سوسیالیستی مبارزه می‌کنیم این بیدادگاه‌ها را که در سراسر عمر ننگین رژیم نمونه‌های بارز سرکوب صدای کارگران و آزادیخواهان بوده‌اند محکوم می‌کنیم و در کنار کارگران و خانواده‌های زندانیان سیاسی می‌ایستیم و خواهان آزادی بی قید و شرط و فوری آنان هستیم. ما از همه کارگران و نیروهای چپ و کمونیست و آزادیخواه می‌خواهیم هر کجا هستند برای آزادی فوری زندانیان سیاسی و بر علیه رژیم و بیدادگاه هایش به هر طریق ممکن مبارزه و اعتراض کنند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی، بی قید و بی وثیقه آزاد باید گردد

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۷ مرداد ۱۳۹۸

۲۹ ژوئیه ۲۰۱۹

امضا کنندگان: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



→ ستم و استثمار و زور و سرکوب طبقه حاکم و دستگاه دولتی سرکوبگر آن به تنگ آمده اند، با دست زدن به اعتراضات و اعتصابات وسیع و مداوم، خواهان سرنگونی آن و بدست گرفتن سرنوشت خویش هستند.

اردو و تقویت راه حل سوسیالیستی و کارگری در جنبشهای اجتماعی را وظیفه تعطیل ناپذیر خود دانسته و برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار دولتی کارگری و شورائی مبارزه می‌کنیم. ما در اوضاع بحرانی کنونی، تبدیل معنا و مضمون این سرنگونی به افق جنبش طبقه کارگر و اردوی انقلاب و به پرچم مبارزه سیاسی برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری تلاش می‌کنیم. ما بار دیگر اعلام می‌کنیم بخشهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران تلاش دارند روند دست بدست شدن حاکمیت سیاسی بورژوازی اسلامی با کمترین دخالت مردم کارگر و زحمتکش صورت گیرد. استراتژی سیاسی اصلاح طلبی حکومتی، رفراوند، آشتی ملی و آلترناتیوسازی برسر مضمون نگاهداشتن ماشین دولتی بورژوائی و ارگانهای سرکوب آن از گزند عمل انقلابی طبقه کارگر و اردوی سوسیالیست و کمونیست جامعه است.

۴- ما در کنار جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی متحد طبقه کارگر، در جدال جاری برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، درهم کوبیدن تمام ارگانها و نهادهائی که قدرت طبقات حاکمه بر آن استوار است، مبارزه می‌کنیم. از نظر ما سرنگونی جمهوری اسلامی باید به یک انقلاب اجتماعی، در هم شکستن ماشین دولتی، خلعید کامل سیاسی و اقتصادی از بورژوازی و گذار به یک نظم نوین کارگری و سوسیالیستی منجر شود. لذا ما وظیفه خود و طبقه کارگر و اردوی نیروهای آزادیخواه و پیشرو را تقابل روشن و شفاف با کلیه "راه حل"های بورژوائی میدانیم. از نظر ما کمونیستها، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و شکست دورنمای امپریالیستی، وجوه و ارکان یک سیاست واحدند.

۵- در شرایط کنونی، هنوز تلاش های بی‌وقفه جریانات دست راستی در اپوزیسیون که به دخالت قدرتهای خارجی امید بسته اند، موفق نشده اند به قالبی سیاسی درآیند و بدرجه‌ای مورد اعتنا و پذیرفتنی و قابل تایید برای جامعه بمثابه "یک آلترناتیو" در قبال جمهوری اسلامی بدل شوند. از اینسو، اردوی بشمار کارگران و زحمتکشان و طیف کمونیست ها و چپ جامعه هم، بدلیل شرایط پلیسی و سرکوب و ممنوعیت فعالیت متشکل در ابعاد وسیع‌تر، هنوز نتوانسته‌اند بدیل سوسیالیستی کارگران را به افقی مسلط و به پرچم سیاسی قدرتمندی در متن مبارزات اجتماعی بدل کنند. لذا کشمکش برسر شکل دادن به آینده و مختصات آن از موضع طبقات متخاصم اجتماعی ادامه دارد. نقد ما به روشها، ماهیت و محتوای طبقاتی راه حل‌های اپوزیسیون راست، جزئی از نقد وسیع‌تر ما و طبقه کارگر به جامعه سرمایه‌داری و اساس نظامی است که در قلمرو اقتصاد به استثمار فرد از فرد و در قلمرو سیاست به یک حکومت استبدادی و دیکتاتوری طبقه بورژوا متکی است.

۶- کمونیست‌ها در قبال رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری پلاتفرمی روشن و اعلام شده دارند. پلاتفرم کمونیست‌ها قبل و

۲- در جدال برسر آلترناتیوسازی، نیروهای اپوزیسیون بورژوائی ایران مانند سازمان مجاهدین خلق، بخشهایی از جریانات ناسیونالیست ایرانی و طیف وسیعی از سلطنت طلبان، احزاب و نیروهای ناسیونالیست محلی از جمله در کردستان مانند احزاب دمکرات کردستان و سازمانهای زحمتکشان، تحقق استراتژی سیاسی خود را به دخالت قدرت‌های غربی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا گره زده اند و طرفدار "رژیم چینج" هستند. جریانات ناسیونالیست کرد در عین حال با ناامید شدن از دخالت نظامی آمریکا و متحقق نشدن "رژیم چینج" مورد نظرشان در حال حاضر، بار دیگر به سیاست و سنت همیشگی‌شان بند و بست با جمهوری اسلامی به منظور شریک شدن در قدرت سیاسی با حکومت ارتجاعی مرکزی روی آورده اند. برخی از جمهوریخواهان، از طریق مخالفت با انقلاب تحت عنوان مرزبندی با خشونت و تاکید بر گذار مسالمت‌آمیز عملاً به ماندگاری و بقای رژیم اسلامی خدمت می‌کنند. به علاوه در طرف مقابل، با طیفی از مدافعین جمهوری اسلامی روبرو هستیم، که به بهانه خطر جنگ و درگیری نظامی، توده کارگر و مردم زحمتکش را به آرامش و وحدت با حاکمیت دعوت می‌کنند و به یاد حفظ "میهنی" افتاده اند که بهشت برین برای استثمارگران و ستمگران و جهنمی سوزان برای توده عظیم طبقه کارگر و مردم زحمتکش است. در این میان احزاب اپورتونیست رفرمیست، نظیر حزب توده و دنباله روانش و چپ حاشیه ای "ضد آمریکایی" به رغم ادعای گذار از رژیم جمهوری اسلامی، اما در عمل تنها خواهان برافتادن ولایت فقیه هستند و به همراه بخشی از اصلاح طلبان به تغییراتی در قانون اساسی امید بسته و به ماندگاری نظام استثمارگر و ستمگر سرمایه داری حاکم رضایت میدهند. راه حل بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوائی برای خاتمه دادن به بحران اقتصادی در بهترین حالت سپردن اداره اقتصاد کشور به دست مدیران تکنوکرات، عادی سازی مناسبات با غرب و رفع موانع سیاسی و حقوقی بر سر راه ادغام فزاینده‌تر و سیستماتیک‌تر سرمایه‌داری ایران در بازار جهانی و تداوم استثمار کارگران برای "بازسازی ایران" است. ما بعنوان نیروهای کمونیست در کنار جنبش رادیکال کارگری و بخشهای مختلف مردم آزادیخواه و زحمتکش مانند جنبش معلمان، بازنشستگان، دانشجویان انقلابی و پیشرو، جنبش برابری زن و مرد، روشنفکران چپ و انقلابی، حرکت‌های برابری طلبانه و مردم تحت ستم و استثمار و تبعیض در سراسر ایران، به هیچکدام از این اردوهای ارتجاع و امپریالیسم تعلق نداریم. ما قاطعانه اعلام کرده ایم که در برابر هر نوع بند و بست بورژوائی و هر نوع آلترناتیو سازی از بالای سر طبقه کارگر و مردم زحمتکش خواهیم ایستاد و به هیچ دولت بورژوائی، که ماهیت اساسی و مشترک آنها تداوم استثمار و سرکوب است، تن درنخواهیم داد.

۳- ما بار دیگر اعلام می‌کنیم که در متن کشمکش سیاسی و طبقاتی جامعه ایران، برای تقویت و سر و سامان دادن به پایه های اجتماعی یک آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی مبارزه میکنیم. ما شکل دادن به این

ادامه و گسترش بازداشت فعالان سیاسی محکوم است!

با ادامه و تشدید بازداشت فعالان کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی، در چند روز گذشته اعتراضات وسیعی علیه جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور صورت گرفته است. تشکل های کارگری، شخصیت ها و نهادهای دفاع از حقوق بشر، و تشکل های صنفی با صدور اطلاعیه ها و ارسال نامه ها و آکسیونها نسبت به دستگیری، بازداشت، محاکمه و زندان فعالان کارگری زنان، معلمان، فعالان محیط زیست و وکلا و مدافعان زندانیان سیاسی، جمهوری اسلامی را مورد اعتراض قرار داده اند.

واقعیت این است که زندان های رژیم جهل و جنایت اسلامی از همان آغاز حاکمیتش مملو از انسانهای مبارز و فعالان سیاسی در همه عرصه های حیات اجتماعی بوده است. مملو از فعالین کارگری، دانشجویی، زنان، معلمان و فعالین محیط زیست و مبارزان رفع ستم و احقاق حقوق ملی و مذهبی بوده است. این رژیم جنایت کار برای حفظ این نظام جهل و استثمارش تا کنون دهها هزار نفر از آنان را در سیاه چالهای شکنجه، اعدام و سربه نیست کرده است. در دشمنی با این انسان های شریف و نخبه جامعه از هیچ جنایتی دریغ نکرده است. آنها را با اتهامات واهی و با قوانین پوسیده اسلامی به بیدادگاه می کشاند و شکنجه و اذیت و آزار می کند تا کسی جرأت نکند در مقابل حاکمیت ظالمانه و استثمار گرانه اش قد علم کند. تا بتواند با تحمیل فقر و فلاکت به اکثریت عظیم جامعه مناسبات کار و سرمایه را به وحشیانه ترین شکل به نفع مهره های حاکمیت و سرمایه داران وابسته اش و به زیان کارگران و زحمتکشان به اجرا در آورد به و فساد و دزدی و غارت ادامه دهند. جمهوری اسلامی تاریخاً و به ویژه در مقاطعی که سیاستهای ارتجاعی و توسعه طلبانه پر هزینه اش شکست خورده، برای ایجاد رعب و وحشت و به سکوت کشاندن جامعه با توسل به اعدام از خون هزاران زندانی اسیر و در بند هزینه کرده است.

اینک نیز که بخاطر تداوم و پیشبرد سیاستهای ارتجاعی و ضد انسانی با بحرانهای عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و بین المللی روبرو شده و راه برون رفت و خلاصی از آن ندارد، به تشدید بگیر و ببند و فشار بر زندانیان سیاسی و حتی اعدام متوسل شده است با این خیال که توده های مردم معترض را مرعوب سازد. غافل از اینکه برای مردم به جان آمده از حاکمیت فقر و گرسنگی و خفقان، دیگر سرکوب نمی تواند کارایی آنچنانی برایش داشته باشد و نجاتش دهد. دیگر رژیم با این ترفندها نمی تواند دهها میلیون مردم کارگر و زحمتکش تهیدست و بیکار و گرسنه را از پیگیری خواست و مطالباتشان منصرف نماید. دیر نیست آن زمان که توده های مردم گرسنه و خشمگین در ابعاد میلیونی به خیابان آیند و متشکل و سازمان یافته بساط حاکمیت فساد و دزدی و جنایتش را سرنگون کنند و درهای سیاه چالهایش را بشکنند و عزیزان در بندشان را رها سازند.

بعد از "بحران هسته ای"، مستقل از تشدید لفاظی های جنگی و یا در دوران جنگ، تغییری ماهوی نمیکند بلکه سیاست و استراتژی خود را مبنی بر سازماندهی انقلاب اجتماعی در شرایط جدید، پیگیری و دنبال میکنند. لذا ما با هر کودتا و تغییر آرایش رژیم و بورژوازی ایران و تقابل نظامی در این یا آن گوشه خاورمیانه یا در مرزهای ایران، از اهداف و سیاستهای کارگری و کمونیستی مان عدول نمی کنیم. ما کمونیست ها به بهانه "دفاع از میهن" و یا به بهانه "امروز رژیم باید برود"، طبقه کارگر و مردم بجان آمده را به حمایت از ناسیونالیسم و جمهوری اسلامی و یا به دفاع از راه حل بورژوائی و کودتائی و "رژیم چینجی" دعوت نمی نماییم. یک سیاست کارگری و کمونیستی و انترناسیونالیستی بر نفی سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی بورژوازی تاکید دارد، علیه تحریم ها و جنگ طلبی ارتجاعی آمریکا و متحدینش بوده و پیکاری انقلابی علیه طبقه حاکم سرمایه را سازمان می دهد.

۷- ما عمده تبلیغات جنگی و تشدید تنش بین دولت ها را ناشی از بحران های علاج ناپذیر نظام سرمایه داری و نیز تلاشی برای از میدان بدر کردن طبقه کارگر و جنبش های اجتماعی واقعی، تلاشی برای گرفتن ابتکار مبارزات از دست توده های مردم و ورود به فاز نظامیگری و کودتائی، تلاش برای تغییر صحنه سیاسی به نفع ارتجاع اسلامی و نیروهای حافظ و مدافع نظم سرمایه داری میدانیم. ضد آمریکائی گری مبتدل رژیم جمهوری اسلامی ذره ای به منافع جنبش کارگری و سوسیالیسم در ایران مربوط نیست. حکومت اسلامی توسط همین امپریالیست ها، که از رادیکالیزه شدن جنبش انقلابی و قدرت گیری طبقه کارگر و چپ و کمونیسم در هراس بودند، حمایت شد و عملاً به مردم ایران تحمیل گردید. زیرا این حکومت مدافع و ضامن تداوم دولت سرمایه داری در انقلاب ۵۷ بود. راه حل سوسیالیستی ما و طبقه کارگر تلاشی برای نفی همه جانبه حاکمیت سرمایه در ایران است.

۸- ما شش جریان کمونیست و چپ، همه نیروهای اردوی انقلابی و کارگری را به گرفتن ابتکار عمل در صحنه سیاسی برای تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی فرامی خوانیم. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، پاسخی کوبنده به تهدیدات و اعمال فشارهای امپریالیستی آمریکا و نیروهای مختلف مدافع وضع موجود اعم از حکومتی و اپوزیسیونی است. ما در این جدال برای تقویت و طرح وسیع تر راه حل شورائی و سوسیالیستی طبقه کارگر و افشا و شکست هر سیاستی که کارگران و مردم را به حمایت از این یا آن ارتجاع فرامیخواند، تلاش و مبارزه می کنیم. امروز دیگر نه تنها "همه با هم" دوره انقلاب ۵۷ محلی از اعراب ندارد، بلکه صف بندی طبقاتی هر روز بیش از پیش آشکارتر و قطبی تر می شود. ما از این قطبی شدن سیاست، که بیانگر تشدید کشمکش سیاسی و راه حل های طبقاتی متمایز است، استقبال و برای پیروزی راه حل کارگری تلاش میکنیم. ما نیروهای طبقه کارگر و کمونیست ها و پیشروان رادیکال جنبش های اجتماعی را به تقویت صفوف مستقل طبقاتی و انقلابی خویش، تقویت افق و راه حل کارگری در مقابل افق و راه حل بورژوائی، برافراشتن پرچم آلترناتیو سوسیالیستی طبقه کارگر با هدف سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورائی فرامی خوانیم!

۸ مرداد ۱۳۹۸ - ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۹

امضاها:

**اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران،
حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر،
سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت**

هلمت احمدیان

"همه با هم"؟!!



در شرایط کنونی این نیروها گزینه آنها برای سرنگونی رژیم نیستند. سلطنت طلبان که با یک قیام یا انقلاب توده ای از قدرت ساقط شده اند، علیرغم ساپورت آشکار بلندگوهای تبلیغی نیروهای امپریالیستی از پایگاه اجتماعی آنچنانی در جامعه ایران برخوردار نیستند و نفوذ آنها تنها در میان بخش های بسیار محدودی از سرمایه داران و تکنوکرات ها است. مجاهدین هم کمابیش از این موقعیت برخوردارند و تنها به عنوان نیرویی کنترا و ضد انقلابی در شرایطی که جامعه در دوران اعتلای انقلابی قرار داشته باشد و خطر ریزش انقلابی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی محرز باشد، می توانند در کنار دیگر نیروهای این طبف، از طرف امپریالیست ها شانس بدست آورند.

برای احزاب ناسیونالیست هم که خواب بکارگیریشان، همچون نمونه های عراق و سوریه را در سر می پروراند، این "شانس" بمراتب دشوارتر است، چرا که نزدیکی نیروهای امپریالیستی و نزدیکی بیشترشان به نیروهایی که "تمامیت ارضی" ایران را در دستور کار دارند و مشکلاتی که ملت های ساکن در ارتباط با حکومت های منطقه می توانند برایشان فراهم آورند در حدی است که آنها را در صف های عقب تر این کلکسیون آلترناتیو ارتجاعی و بورژوازی قرار می دهد.

فراتر از کارایی یا عدم کارایی این نیروها، در شرایط کنونی که گزینه سرنگونی رژیم ایران از طرف آمریکا و متحدین اروپایی اش هنوز در دستور کار نیست و بیشتر فشارها و مانورهایشان برای سرعقل آوردن رژیم و سازش با این رژیم است، استراتژی این نیروها آرزویی بیش نیست و به بحرانی استراتژیک و ناامیدی در میان این نیروها انجامیده است. هیچ بعید نیست آنها برای اینکه در این دوره و از این پروسه هم از قافله عقب نیفتند به راهکارهای های "جدید" در چارچوب نظام جمهوری اسلامی تغییر ریل پیدا کنند و یا با چراغ سبز آمریکا همان استراتژی مذاکره با رژیم برای "کسب امتیاز" را هم امتحان کنند. تلاش های اخیر در بین این نیروها در شرایط کنونی برای "مذاکره" از بالای سر مردم با ماموران اطلاعاتی رژیم، نشانی دیگر از استیصال این نیروهاست. ما

شاهد این نوع تلاش ها به همچنین ←

رژیم برای نرم کردن و استحاله آن می کوشند. بخش دیگر اپوزیسیون که خواهان سرنگونی انقلابی رژیم است، اتکایش به نیروی مستقل توده های کارگر و زحمتکش و ستمدیده است و راهکارهای اپوزیسیون رنگارنگ بورژوازی را، ادامه و استمرار همان وضع موجود می داند. از این روی "وحدت خواهی" توده ها، ندیدن این دو تفاوت بنیادی و نتایج این دو نقشه راه متضاد و در واقع سراب و یا امری است که بارها تجربه شده است. سرمایه دار با عمامه یا بی عمامه، اسلامی یا لائیک، همان راهی را می پیماید که نتیجه اش محرومیت و نابسامانی و به قهقرا بردن بیشتر نه فقط طبقه کارگر، بلکه حتی اقشار متوسط و میانی جامعه است.

ممکن است گفته شود، که نیروهای مختلف اپوزیسیون اگر چه بدیل های اجتماعی و طبقاتی متفاوتی را دنبال می کنند، اما در بعضی از خواست های دمکراتیک و روینایی و تاکتیکی با هم همسو هستند. در این رابطه ها هم ندیدن رابطه ارگانیک تاکتیک و استراتژی این نیروها و تغیری که هر یک از این نیروها برای این مطالبات روینایی دارند، توهمی کاذب را بوجود می آورد. از این روی هر نیروی سیاسی ای که بخواید "کالایش" را ظاهرا در پاسخ به این "وحدت طلبی" عرضه کند، به همان مردم مورد نظرش هم دروغ گفته و در چشمشان خاک پاشیده است.

اپوزیسیون و امر سرنگونی رژیم

اگر از ناکارایی و غیرعملی بودن "وحدت طلبی" توده ها و توجیهاات پوپولیستی بعضی از نیروها در پاسخ به این "نیاز" بگذریم، ما با راهکارهای گوناگونی هم در میان نیروی راست و هم نیروهای چپ برای امر سرنگونی رژیم روبرو هستیم.

در صف اپوزیسیون پرو آمریکایی، ما اکنون عمدتا سلطنت طلبان و مجاهدین و بخشی از جمهوری خواهان و نیروهای ناسیونالیست را می بینیم. نقطه اشتراک همه اینها استراتژی سرنگونی به کمک نیروهای امپریالیستی است. آنچه مشخص است این است که علیرغم آرزو و خوش خدمتی این طبف به امپریالیست ها،

غالبا از اقشار متوسط جامعه می شنویم که: "اگر همه اپوزیسیون رژیم با هم متحد نشود، نمی توان رژیم را ساقط کرد". این روحیه "وحدت طلبی" را نه فقط از مردم عادی، بلکه گاها از بعضی از افراد و نیروهای چپ هم می شنویم که: "نباید اپوزیسیون اپوزیسیون بود". یا می شنویم: "چپ ها و کمونیست ها در حال حاضر می توانند در برابر جمهوری اسلامی با بعضی از طبف های لیبرال همکاری های معینی با هم داشته باشند، اما مسلما با تعمیق مبارزه طبقاتی صفوف آنها از هم جدا خواهد". (۱)

"همه با همی" وجود ندارد و اگر هم داشته باشد، همواره آن بخشی از این "همه" سرش بی کلامی ماند که محروم و ستمدیده و استثمار شده است.

بگذراید مورد به مورد بحث کنیم که بینیم این "خیرخواهی" عامیانه و یا این توصیه "عامدانه" در پوشش چپ چقدر مخرب است!

وحدت طلبی توده ها و پوپولیسم

وحدت طلبی پوپولیستی توده ها هر چند نشان از انزجار و نفرت مردم از رژیم دارد و خواست وحدت اپوزیسیون، آرزو و رویای شریفی است، ولی از این واقعیت بدور است که جامعه و به تبع آن گروه بندی های سیاسی نمی توانند از نیازها و خواسته ها و منافع طبقات مختلف تاثیر نگیرند، چرا که اپوزیسیون بودن رژیم بخودی خود امری نیست که از افق های سیاسی و استراتژی (نقشه راه) نیروهای مختلف تاثیر نگیرد.

بخشی از این اپوزیسیون دعواش با رژیم خانگی است و بخشی بدور از این دایره. اپوزیسیون راست و بورژوازی رژیم در این دعواي خانگی و جنگ قدرت با بورژوازی حاکم در ایران جامعه ای را می طلبند که نظام حاکم بر آن از حواشی دست و پاگیر رژیم که مانعی برای همسویی کامل این رژیم با نظم جهانی سرمایه داری است خود را خلاص کرده و می خواهد "در رابر همان پاشنه" تداوم استثمار و ستم و استبداد بورژوازی بچرخاند. بخشی از آنها چشم به کمک خارجی و قدرت های امپریالیستی برای کنار زدن رژیم جمهوری اسلامی دارند و بخشی در همان میدان بازی

مردمی را به بیراهه بکشند، مرزبندی نکرد؟ رژیم جمهوری اسلامی را در چهار دهه گذشته تنها سرکوب بی رحمانه مخالفینش نجات نداده است، امیدهای کاذب و رفرمیستی بخشی از این اپوزیسیون و "همه با همی" ها و ایجاد توهم در میان توده ها هم عاملی موثر برای تداوم حاکمیت این رژیم که بارها در تنذیب های مختلف حاکمیتش به لرزه افتاده، بهمچنین یاری رسان تداوم حاکمیت ننگین رژیم جمهوری اسلامی بوده است.

استراتژی سوسیالیستی

در این امر تردیدی نیست که تلاش برای یک آلترناتیو سوسیالیستی و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی از یک راه سراسری و بدون مانع نمی گذرد. زمان و شکل سرنگونی و انقلاب اجتماعی را هم نمی توان اختیاری تعیین کرد. اما می شود در پرتو یک استراتژی روشن سوسیالیستی، سه کار را همزمان انجام داد. اول خود را صاحب همه جنبش های اعتراضی و مطالباتی موجود در جامعه دانستن و دوم سمت و سو دادن به جنبش های موجود در راستای گزینه ای که ستون فقرات آن را اراده پیشروان رادیکال و سوسیالیست این جنبش ها خواهند ساخت و سوم ختنی کردن راهکارهای لیبرالی که همچون سوپاپ اطمینان برای تداوم بردگی سرمایه عمل می کنند. بین این سه رویکرد دیوار چینی وجود ندارد و اگر پایه های ساختاری که به زعم ما باید جایگزین رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بشود، از همین امروز و با شرکت در جنبش های مطالباتی جاری ساخته نشود، اگر افشاگری و مبارزه ای همزمان با توهم آفرینی های لیبرالیستی نشود، بدون تردید مانند همه تجربه های تاکتونی ما در همان بربریت سرمایه داری که اکنون بر جامعه ایران حاکم است باقی می مانیم.

(۱) همه این ادعاها صاحبان اسم رسم دار خود را دارد و می شد، به کدها هم اشاره کرد، ولی از آنجا که هدف این مطلب نه پلمیک با افراد، بلکه دادن تصویری کلی از نگرش های فکری و اجتماعی این نیروها و یا افراد بود، بطور مشخص نامی ذکر نشده است. خواننده خود می تواند کدهای این نگرش ها را در موضع گیری های سیاسی افراد و نیروها بیابد.

ملیت، مذهب، و آزادی های اجتماعی، به این بهانه که این عرصه ها جدا از مبارزه طبقاتی بین کار و سرمایه است، خود را بی وظیفه سازند. به عکس چپ ها و کمونیست ها باید در همه جنبش هایی که برای اصلاح و رفرم در این سطوح هم در جریان است شرکت کنند و راهبر راه رهایی این جنبش ها نیز باشند که ریشه در تضاد اصلی جامعه دارد. از این روی مبارزه کمونیست ها برای آزادی و رفع هر نوع ستم و استثمار امری بدیهی و ضروری است. اما آنچه می تواند آنها را از یک مبارز برای رفرم با رفرمیسم همچون یک راهکار بورژوایی جدا سازد، تفکیک این دو از همدیگر است و این امر ممکن نیست به جز از راه به اهتزاز درآوردن پرچم مستقل خود و دادن تصویری روشن از آلترناتیو سوسیالیستی در بطن جنبش های مطالباتی و درافتادن با توهم آفرینی "همه با همی"!

یکی از این ترهایی که به این توهم آفرینی خدمت می کند این است که "نباید اپوزیسیون اپوزیسیون شد"!

اپوزیسیون رژیم اسلامی طیف های مختلفی را در بیرون و درون حاکمیت با گرایشات مختلف تشکیل می دهد. شکی نیست که همه نیروهای اپوزیسیون با حاکمیت رژیم مسئله دارند و خواهان رفع و یا دفع فشارهای رژیم هستند. اما این اشتراک کلی، مجوزی برای مخدوش کردن راه های مبارزه و بدیل های متفاوت این نیروها نیست.

تاریخ نشان داده است که زمانی که همه، یعنی کمونیست ها، مذهبی ها، ملی گراها و ... اپوزیسیون رژیم شاه بودند، با شعار: "بحث بعد از مرگ شاه" اجازه نمی دادند راهکارها و گزینه های کمونیست ها و جنبش های رادیکال اجتماعی حتی در مقطع انقلاب ۵۷ اظهار وجود کنند. اکنون و در شرایطی که در دروه اعتلای انقلابی هم نیستیم، چگونه می توان با این توجیهات لیبرالی با راهکارهای آن بخش های اپوزیسیون که با کمک نیروهای امپریالیستی و یا با "سازش" با خود این رژیم و تلاش برای "نرم کردن" آن می خواهند مبارزات حق طلبانه و انقلابی کارگران و عدالت خواهانه و آزادیبخش

از طرف مجاهدین و سلطنت طلبان به شکل یافتن جناح های معتدل در سپاه و ارتش و ... هم بوده ایم.

اما آن بخش از اپوزیسیون بورژوایی که در شرایط کنونی می تواند برای آمریکا و غرب کاربرد داشته باشد و خطری بالقوه در برابر جنبش های اجتماعی در ایران باشد، اصلاح طلبان و طیف رفرمیست و استحاله گر رژیم است. اپوزیسیون لیبرال رژیم اگر چه از نفس افتاده و کارنامه بارها رفوزه دارد، هنوز به اعتبار توهمی که در میان لایه هایی از اقشار متوسط جامعه دارد و یا می تواند ایجاد کند، به دلیل اینکه هنوز سدی واقعی در مقابل رادیکالیسم فزاینده درون جنبش های مترقی و طبقاتی در جامعه است به نسبت بقیه گزینه های راست برای به بیراهه کشاندن راهکارهای انقلابی شانس بیشتری دارد و خطری بالقوه است. از این روی بدترین نوع توهم آفرینی می تواند این باشد که این جایگاه و نقش را ندید و به بهانه اشتراک در پاره ای از خواسته های "مشترک" یا "همسو" نسبت به آنها توهم ایجاد کرد.

لیبرالیسم در پوشش چپ

اگر از اپوزیسیون راست بگذریم در میان اپوزیسیون چپ هم ما شاهد نشان های از سیاست "همه با همی" هستیم. در این امر شکی نیست که روند تحولات اجتماعی و حتی روند انقلاب جاده صاف و سراسری نیست که هر نیرویی با هویت و پلاتفرم و پرچم خود آن را رقم زند. طبقات و اقشار مختلف اجتماعی علیرغم خواستگاه طبقاتی شان از اندیشه های اجتماعی همدیگر تاثیر می گیرند. همانگونه که یک کارگر که استثمار می شود، می تواند، نه برای رهایی از بندگی و بردگی اش، بلکه پاسبان و چماق استثمارگران باشد، یک فرد "چپ" هم که عدالت اجتماعی و سوسیالیسم شعارش است، به نحوی عمل کند که نظام سرمایه داری را تهطیر و تداوم بخشد.

در این امر تردیدی نیست که نیروهای چپ و کمونیست نمی توانند منزه طلبانه به امید جامعه آرمانی شان، خود را از روندهای مبارزه طبقاتی با شرط و شروط و نگرانی از آلوده شدن توجیه کنند و از شرکت فعال و بیدریغ در جنبش های مطالباتی و مبارزات برای رفع ستم ها و تبعیضاتی که بر اساس جنسیت،



گفتگو در رابطه با نشست نمایندگان چهار حزب سیاسی کردستان با رژیم



متن زیر ترجمه فارسی مصاحبه مهدی حسینی در برنامه "راونگا" تلویزیون کومه له با حسن شمس، عضو کمیته اجرایی حزب کمونیست ایران در رابطه با نشست چند حزب سیاسی کردستان ایران با نمایندگان جمهوری اسلامی می باشد. این مصاحبه در تاریخ ۱۹ تیرماه انجام گرفته است.

هایی از جانب تعدادی از رفقا شده بود، اما اطلاعیه رسمی صادر نکرده بود. در اطلاعیه ای که کمیته مرکزی کومه له در این رابطه صادر کرده، اشاره شده که جمهوری اسلامی ۴۰ سال است مردم را سرکوب می کند و هیچ حقی برای کسی به رسمیت نمی شناسد و اهداف دشمنانه جمهوری اسلامی با مردم کردستان در این رابطه را افشا نموده است. همچنین توضیح داده که دلیل اصلی روی آوردن این احزاب و تن دادن به چنین به اصطلاح مذاکراتی، به مشکلات داخلی آنها مربوط می شود که خودشان با آن روبرو هستند و به دامی افتاده اند که جمهوری اسلامی برایشان گسترده است. در اطلاعیه کومه له همچنین آمده که جمهوری اسلامی در بحران های عمیق اقتصادی، سیاسی، آشفستگی داخلی و انزوای بین المللی دست و پا می زند، می خواهد خود را از آنها برهاند. این یکی از اهداف جمهوری اسلامی است که بتواند در این شرایط مردم کردستان را در انتظار نگهدارد و اعتراض و عکس العملی از سوی آنها به شرایط فلاکتبار اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که رژیم برای مردم به وجود آورده، نکنند. از سوی دیگر گرچه آمریکا تهدیداتی علیه جمهوری اسلامی به عمل می آورد، اما در موضع آمریکا و تهدیدات علیه جمهوری اسلامی بارها بر این امر تأکید شده است که نمی خواهند جمهوری اسلامی را سرنگون سازند و تنها می خواهند رفتار جمهوری اسلامی تغییر کند. این امر افق احزاب ناسیونالیست را که امید به سرنگونی رژیم توسط آمریکا بسته بودند را تیره و تار ساخت و آنها را از آن نومید ساخت که از آن طریق به اهداف خود برسند. این ناامیدی هم یکی از عواملی است که آنها را به سوی سازش با جمهوری اسلامی و افتادن در دام توطئه رژیم سوق داده است. جمهوری اسلامی حساب آنرا کرده که اگر در شرایطی کشمکش هایش با آمریکا عمیق تر شود، این حزب ها به جای آنکه در کنار آمریکا قرار گیرند، در کنار خود داشته باشند و آمریکا نتواند از آنها علیه جمهوری اسلامی استفاده نماید.

که آنها پس از ۴۰ سال جرم و جنایتی که جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان انجام داده و علیرغم شناخت ماهیت واقعی جمهوری اسلامی، هنوز امیدوارند که رژیم با آنها به ساخت و پاخت بپردازد. و گر نه می دانند که امکان ندارد جمهوری اسلامی هیچ حقی برای مردم کردستان و برای آزادی و دموکراسی و حقوق مردم کرد در ایران را به رسمیت بشناسد و به اجرا در آورد. البته خود جمهوری اسلامی نسبت به این اخبار و بحث ها ساکت بوده و عکس العملی از خود نشان نداده است. این احزاب ادعا می کنند در این نشست ها مقاماتی از رده های بالای رژیم شرکت داشته اند اما آن گونه که انعکاس یافته این نشست در سطح مأمورانی از وزارت اطلاعات رژیم بوده است.

پرسش: پس از آنکه عمر ایلخانی زاده به مثابه سخنگوی این مرکز در گفتگویی با دویچه وله توضیحاتی داد و این نشست ها را مورد تأیید قرار داد، کمیته مرکزی کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) اطلاعیه ای صادر کرد و توضیح داد که شرایط مذاکره چه ملزوماتی دارد و باید چگونه باشد. آیا شرایط سیاسی کنونی ایران که در آن خیزش های مردمی از دو سال قبل شروع و گسترش یافته است، و تداوم حاکمیت رژیم اسلامی زیر سؤال رفته است، شرایط مذاکره در حال حاضر فراهم است یا آن مطالباتی که ما از آن صحبت می کنیم ممکن است توسط جمهوری اسلامی برآورده شود و پای میز مذاکره بیاید؟

پاسخ: اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له پس از آن انتشار یافت که آن مرکز به شکل رسمی اعلام کرد که نشست هایی با جمهوری اسلامی داشته اند. کمیته مرکزی کومه له منتظر بود تا موضع رسمی آنها از زبان خودشان انتشار یابد و آنگاه موضع گیری کند. گرچه صحبت

پرسش: در آغاز اولین سؤال را با شما چنین آغاز می کنم. همچنانکه شما و بینندگان هم اطلاع دارید، حدود ده روزی است که از طرف احزابی متشکل در نهادی با نام "مرکز همکاری احزاب کردستانی" صحبت از مذاکره با جمهوری اسلامی در میان است. می خواهم سؤال کنم این خبر تا کجا صحت دارد و اگر صحت دارد موضع ما چیست؟

پاسخ: بله هم چنان که شما هم گفتید شایعاتی در جریان بود که تعدادی از احزاب کردستان که در "مرکز همکاری احزاب کردستانی" هستند و عبارتند از حزب دمکرات کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان زحمتکشان هر دو جناحش، با مأمورانی از جمهوری اسلامی دیدارهایی داشته اند. این موضوع چند روزی در جریان بود اما احزاب مزبور بحثی از آن به میان نمی آوردند و آنرا کتمان می کردند. تا اینکه سه روز قبل یعنی ۱۵ تیرماه، عمر ایلخانی زاده سخنگوی دوره ای این مرکز طی مصاحبه ای در شبکه تلویزیونی روداو، این اخبار و شایعات را تکذیب کرد و اظهار داشت که چنین مذاکره ای در میان نبوده است. به دنبال آن دیروز ایشان در مصاحبه دیگری با تلویزیون دویچه وله فارسی صحت آن را تأیید کرد و گفت: "بله نشست هایی داشته ایم. اما هنوز به اصل مذاکرات وارد نشده ایم. این نشست ها به منظور فراهم آوردن زمینه و آماده سازی چنین مذاکره ایی انجام شده است."

شما می دانید به ویژه در عصر کنونی که دوره پیشرفت تکنولوژی و میدیای جهانی است نمی توان چنین مسائلی را از مردم مخفی نگهداشت و سریعاً انتشار خواهند یافت. به همین دلیل اخبار این دیدارها سریعاً و در اولین قدم هایش به سطح میدیا کشیده شد و در شبکه های مجازی بر سر آن بحث های زیادی در گرفت. بخشی از مردم صحت این اخبار را مفروض دانستند. زیرا با توجه به شناختی که از ماهیت این احزاب دارند، اتخاذ چنین سیاستی از جانب آنها را غیر عادی نمی دانند. برای مردم قابل تصور هست

پرسش: خواستم این سؤال را طرح کنم که خودت توضیح دادی. این تناقضی است که در سیاست و عملکرد این احزاب خود را نشان می دهد. از سویی آن‌ها چندی قبل چراغ سبز داده بودند و خود را آماده کرده بودند تا اگر تانک های آمریکا و دیگر دولت ها بیاید آنها هم جلو بیفتند، اما حالا مخفیانه مشغول بده بستن با رژیم شده اند. از طرف دیگر ما همیشه بر حفظ مناسبات با احزاب ناسیونالیست کردستان و داشتن رابطه معینی تأکید داشته ایم. ما همیشه گفته ایم آنها نباید وابسته به هیچ یک از طرف های این کشمکش باشند و نباید مخفیانه وارد مذاکره با دولت شوند. آیا مسأله مذاکره تأثیری بر مناسبات ما با آنها نمی گذارد؟ زیرا ما همیشه تأکید داشته ایم که نباید کاری بکنند که شکاف های موجود در کردستان را عمیق تر کنند. در حالی که این کارها برعکس این تأکیدات ما ست و آنها بر خلاف این تأکیدات عمل کرده اند.

پاسخ: بدون شک ما همیشه تلاشمان این بوده که جنبش انقلابی کردستان را از زیر نفوذ و تأثیرات سیاسی این احزاب دور نگهداریم چون می دانیم که آنها ماهیتاً همیشه ظرفیت سازش بر سر منافع مردم با رژیم را دارند. این یکی از اهداف وجود روابط کنونی ما با آنها بوده است. اینک جمهوری اسلامی با کاری که کرده این هدف را تعقیب می کند که شکاف های موجود میان احزاب سیاسی در کردستان را عمیق تر نماید و بتواند از این شکاف برای تفرقه اندازی بیشتر میان آنها استفاده بکند. رژیم همچنین تلاش می کند که از این توطئه برای فاصله انداختن و جدایی مبارزات مردم کردستان از مبارزات چپ و رادیکالی که در سطح سراسری ایران در جریان است، استفاده کند. این بخشی دیگر از اهدافی است که جمهوری اسلامی از این توطئه تعقیب می کند. احزاب موجود در مرکز همکاری نیز با تصمیم و اقدامی که انجام داده اند، تسلیم چنین پروژه ای شده اند و وارد مسیری شده اند که جمهوری اسلامی پیش پایشان گذاشته است. این امر طبیعتاً با استراتژی ما ناسازگار است و چنانچه ادامه یابد مطمئناً تأثیرات منفی بر روابط ما با آنها خواهد گذاشت. وارد مذاکره شدن هر دو شاخه حزب دمکرات با جمهوری اسلامی، با موضع گیری های آنها در نشست هایی که اخیراً هم با ما

داشتند در تناقض است. در این نشست های آنها بیان می کردند که: "ما توهمی به جمهوری اسلامی نداریم، جمهوری اسلامی هیچ حقی برای مردم کرد به رسمیت نمی شناسد، جمهوری اسلامی تاکنون تنها با زبان جنگ و سرکوب با مردم کردستان صحبت کرده است، میلیتاریسم گسترده و درندانه ای در کردستان به راه انداخته است." خوب این اظهارات با رفتن آن‌ها پای میز مذاکره منافات دارد و تناقضی است که باید خودشان به آن پاسخ دهند. البته این بدان معنا نیست که ما ارتباط مان با آن‌ها را قطع کنیم. زیرا ما مطابق اسناد مصوب خودمان، با اهداف و در چهارچوب مشخصی ارتباط مان را با آن‌ها ادامه خواهیم داد. اما مشخص است اینک آن‌ها قول و قرارهای موجود را که ظاهراً اعلام کرده اند، زیر پا گذاشته اند. این با مصالح و منافع نه تنها ما بلکه با مصالح و منافع مردم کردستان و جنبش انقلابی کردستان هم در تضاد می باشد و دقیقاً علیه منافع آنها است. وارد مذاکره شدن با جمهوری اسلامی در چنین شرایطی، موجب نارضایتی و نفرت بیشتر می شود و کمک می کند به اینکه مردم کردستان دوست و دشمن خود را بهتر بشناسند و در مسیر مبارزه شان بدانند چه کسانی راستگو هستند و دنبال مصالح و منافع آنها و دنبال مصالح کارگر و زحمتکش کردستان اند و منافعشان را نمایندگی می کنند و چه کسانی منافع و مصالح خود و حزبشان را تعقیب می کنند و حاضرند جنبش کردستان را بفروشد.

پرسش: در اطلاعیه کومه له از شروط مذاکره صحبت شده یعنی اینکه ما مذاکره را رد نمی کنیم. آیا تأمین چنین شرط هایی با وجود حاکمیت جمهوری اسلامی ممکن است؟ و آیا این توهم ایجاد نمی کند؟

پاسخ: این درست است. اما اگر کسی تصور کند که شرایط طوری است که می تواند پای میز مذاکره با جمهور اسلامی برود این توهم را در میان بعضی از مردم ایجاد می کند نه در میان همه. به ویژه مردمی که در داخل ایران زندگی می کنند و سالهای سال است تحت حاکمیت فشار و اختناق و کشتار رژیم اسلامی بوده اند و رژیم را به خوبی می شناسند کمتر دچار توهم می شوند. مسأله این است که ادیباتی را که ما ۴۰ سال قبل در رابطه با شرایط یک مذاکره سالم گفته ایم در توازن قوا و شرایط آن زمان بود. طبیعی است که انتظار از جمهوری اسلامی برای اجرای چنین شرایطی

واقعی نیست. نمی توان از رژیمی که حتی در میان نزدیکترین حلقه های حاکمیتش مرتباً مشغول قلع و قمع و تصفیه و زد و بند میان دستگاه حاکمیتش است، انتظار داشت که در گوشه ای از این مملکت بنام کردستان، مناسبات دمکراتیکی برقرار نماید. نمی توان انتظار داشت که جمهوری اسلامی با ماهیتی که دارد به جایی برسد که آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی قلم، آزادی انسان را به رسمیت بشناسد. نمی توان انتظار داشت جمهوری در چنین شرایطی زندانیان سیاسی را آزاد کند. در حالی که روزانه مردم و به ویژه مخالفین خود و فعالان سیاسی، فعالین کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی را به بهانه های واهی دستگیر می کند و سنگین ترین مجازات را به آنها تحمیل می نماید. نمی شود انتظار داشت جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی را آزاد کند و یا فضایی غیر میلیتاریزه بر کردستان حاکم نماید. در حالی که می بینیم به ویژه در ماه های اخیر مرتباً نیروهای سرکوبگر بیشتری به کردستان می آورد و فضای امنیتی و نظامی بیشتری بر کردستان حاکم کرده است. به این دلیل است که نکاتی را که قبلاً بیان کرده بودیم اینک باگذشت ۴۰ سال و شناخت ریشه های از ماهیت جمهوری اسلامی، باید طور دیگری طرح کرد. طبیعتاً امکان اجرای مذاکره ممکن نیست و رژیم چنین مذاکره ای نخواهد کرد زیرا تغییری روی نداده است. در شرایط کنونی در توازن قوا میان مردم و رژیم به نفع جبهه مردم تغییر آنچنانی بوجود نیامده است. اگر زمانی این توازن قوا بر اثر قیام توده ای و با مبارزه مسلحانه به عنوان پشتوانه این قیام طوری تغییر کند که بتوان جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد، این شرایط دیگری است که به رژیم تحمیل خواهد شد. بعلاوه متأسفانه در شرایط کنونی رشد و پیشروی آنچنانی هم در مبارزات توده ای در مقیاس یک خیزش اجتماعی و یک مبارزه مسلحانه پر قدرت که جمهوری اسلامی را وادار به آمدن پای میز مذاکره و دادن امتیاز کند هم نمی بینیم.

پرسش: حال که صحبت کردیم که حزب دمکرات و سه حزب دیگر، از همان ابتدا هیچ گاه نشستن پای میز مذاکره با رژیم را رد نکرده اند تا جایی که متأسفانه دو تن از رهبران خود را در این راه از دست دادند. اکنون آن‌ها در میان بخشی از مردم کردستان نفوذ دارند. مردم اخبار این مذاکرات و شایعات آنرا شنیده اند. مردم باید چکار بکنند؟ بازتاب آن چگونه

➔ بوده است؟ بخشی از آنان حتی کسان زیادی در صفوف خودشان ناراضی هستند و بخشی اعتراض خود را ابراز داشته‌اند. مردم در کردستان باید در مقابل چنین سیاستی چکار کنند؟

پاسخ: بدون شک ناراضی‌تری گسترش خواهد یافت حتی در میان صفوف این احزاب. به این دلیل که هرکسی این واقعیت را می‌داند که جمهوری اسلامی ماهیتاً حکومتی نیست که خواست آنان را برآورده کند. می‌دانند آنچه رژیم انجام می‌دهد فریبکاری و برای در انتظار نگهداشتن مردم است. می‌خواهد مردم را چشم انتظار نگه دارد تا دست به اعتراض زنند، حقوقی مطالبه نکنند تا بلکه بتواند بحران اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را از سر بگذراند و از ورشکستگی اقتصادی نجات پیدا کند. اگر جمهوری اسلامی تمایل دارد فعلاً به این توطئه ادامه دهد و در مقابل این اخبار و شایعات سکوت کند، برایش هزینه ای در بر ندارد. یکی دو مأمور خود را برای نشست با آنان می‌فرستد و تمام. اما اگر بتواند نا رضایتی مردم را خنثی نماید و آنها را در انتظار نگهدارد به ضرر مبارزات مردم تمام خواهد شد. اما مردم کردستان دنبال فریبکاری رژیم نخواهند رفت. زیرا نفعی برایشان در بر ندارد. اگر مصالح و منافع رهبران و مسئولان این احزاب که آفق خود را از دست داده‌اند و امیدی برایشان باقی نمانده و می‌خواهند به ایران برگردند و سالهاست این آرزو را دارند و دنبالش افتاده‌اند و بعضی از آنها سال‌هاست دنبال این توهم هستند، اگر برای آنها چنین سازشی مصالح شخصی در بر دارد و تصور می‌کنند اگر برگردند ممکن است پله و پایه و امتیاز شخصی به آنها داده شود، برای مردم کردستان نفعی غیر از ضرر در بر ندارد. چیزی جز این نیست که دنبال نقشه و توطئه رژیم افتاده‌اند. با این اقدام تنها ممکن است عمر ننگین جمهوری اسلامی کمی افزایش یابد. به این دلیل معتقدم سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های کومه له می‌تواند بسیار تأثیر گذار باشد و روشن نماید که مردم کردستان باید چکار کنند و چگونه عمل کنند تا بتوانند در برابر توطئه‌ها و فریبکاری‌های جمهوری اسلامی بایستند و دنبال آن نروند زیرا به ضررشان تمام می‌شود این احزاب خود تا کنون در این راه متحمل زیان شده‌اند. نباید کسی دنبال چنین توهمات باشد که گویا جمهوری اسلامی می‌تواند تغییری در زندگی به نفع مردم ایجاد کند. ایجاد هرگونه تغییری در وضعیت معیشتی مردم کردستان دقیقاً وابسته به این است که اوضاع

مبارزات سیاسی و اقتصادی مردم در کل ایران ارتقا یابد. تحقق خواسته‌هایی که این احزاب ظاهراً مطرح می‌کنند از قبیل آزادی، دموکراسی، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و غیره در این نظام ممکن نیست. اگر زمانی رژیم چنین خواسته‌هایی را متحقق کند، این دیگر نظام جمهوری اسلامی نیست و حاکمیت دیگری بوجود آمده است.

پرسش: جنبه دیگر این است که جمهوری اسلامی در چنین شرایطی که شما گفتید برای اینکه توهم ایجاد کند و تا حدی اعتراضات را کاهش دهد و در میان مردم شکاف ایجاد نماید و یا آن طور که در اطلاعیه کومه له هم آمده هدف رژیم ایجاد شکاف میان مبارزات مردم کردستان و مردم ایران در سطح سراسری است، این چگونه قابل توضیح است که جمهوری اسلامی با اعزام چند مأمور رده پایین امنیتی برای نشست با احزاب کردی بتواند به این هدف دست یابد؟ آیا این ذهنی نیست؟

پاسخ: نه دور از ذهن نیست برای اینکه جمهوری اسلامی در شرایط بحرانی قرار گرفته و می‌خواهد، این بازی را ادامه دهد تا بلکه مردم را دچار چنین توهمی کند. مسأله این است در چنین شرایطی مردم باید چگونه با این مسأله برخورد نمایند؟ خوشبختانه اینک سطح شعور سیاسی مردم بسیار بالا رفته است. این احزاب نمی‌توانند تو چشم مردم خاک پاشند و با قول و قرارهایی که خودشان به آن دلخوشند و آنگاه که سخنگوی مرکز همکاری احزاب اظهار نمود: "امیدوارم که این روند پیش رود"، مردم را امیدوار کنند. این امیدواری سرابی بیش نیست. زیرا ممکن نیست این رژیم به حکومتی تغییر یابد که حقوق مردم کردستان را مراعات کند و یا آزادی برقرار نماید. از این نظر این امیدواری عبث است و باید تلاش شود که فعالان سیاسی در داخل کشور هرچه بیشتر به میان مردم بروند و گوشه‌ها و زوایای این مسأله را بیشتر برای مردم توضیح دهند، بحث سیاسی راه اندازند و شرایط یک مذاکره برابر را برای مردم روشن کنند. ما قبلاً از این بحث‌ها زیاد داشته‌ایم. از همان ابتدای قیام بهمن وقتی با رژیم به مذاکره پرداختیم نهادی نه مانند اینکه حالا درست کرده‌اند که در واقع نهاد تعدادی از احزاب سیاسی است، بلکه هیأت نمایندگی مردم کردستان را ایجاد کردیم. اکنون نیز اگر چنان توازن قوایی پیش آید باید چنین کاری

کرد. یعنی اگر زمانی بر اثر رشد مبارزات مردم بتوان جمهوری اسلامی را به زانو درآورد و وادار به عقب نشینی کرد آنگاه این حق مردم و نه به تنهایی احزاب سیاسی کردستان است که چنین نهادی تشکیل دهند. اکنون شرایط طوری نیست که بتوان گفت همه مردم کردستان در فضایی آزاد بتوانند نمایندگان خود را انتخاب کنند. اما در چنان شرایطی می‌شود با شرکت همه احزاب سیاسی و با شرکت همه کسانی که فعال سیاسی خوشنام و قابل اعتماد مردم هستند، نهادی سیاسی ایجاد شود. اما آنچه اینک چند حزب سیاسی انجام داده‌اند، مشروعیت ندارد و آنها چنین حقی ندارند که بروند بر سر مصالح و منافع جنبش مذاکره کنند و به معامله بپردازند. چه کسی این حق را به آنها داده است؟ هر گونه مذاکره ای حتی در شرایط مساعد هم نیاز به مکانیزم و ابزاری دارد که بتواند همه بخشهای مردم کردستان را نمایندگی نماید.

پرسش: دوستان و کسانی انتقاد می‌کنند که کومه له دیر موضع گرفت و یا موضع گیری کومه له که در اطلاعیه آمده قاطع نیست. این چگونه توضیح داده می‌شود؟ یا می‌گویند این کار محکوم نشده یا می‌گویند کومه له بیشتر گله مند است تا محکوم کننده و محکومیت این اقدام اعلام نکرده. چگونه پاسخ آنها را می‌دهید؟

پاسخ: این درست است که در اطلاعیه کومه له کلمه محکوم کردن نیامده است که به نظر من می‌بایست محکوم شود. در واقع توطئه جمهوری اسلامی و اقدام آن احزاب که خود را به دام رژیم انداخته‌اند محکوم است و باید افشا شود. اما محتوای کلی اطلاعیه، این موضع را دارد که ما با اقدام آنها نیستیم و آنرا رد می‌کنیم. این را نه مذاکره بلکه توطئه از جانب جمهوری اسلامی و خوش خیالی از جانب آن احزاب به حساب می‌آوریم. خوب می‌شد با فرمولبندی دیگری هم نوشت. اما آنچه که معلوم است این سیاست چه از جانب جمهوری اسلامی و چه از جانب آن احزاب سیاستی ضد انسانی و برای فریب است و در حقیقت از نظر ما محکوم است. ما هر سیاستی که علیه مصالح و منافع مردم کردستان و به ویژه کارگران و توده‌های مردم زحمتکش کردستان باشد محکوم می‌کنیم و در مقابلش خواهیم ایستاد. امیدوارم که روند رویدادها طوری باشد که قبل از اینکه این احزاب بیشتر به دام رژیم بیفتند، پشیمان شوند و دست بردارند. ■

عباس منصوران

آماده باش ترکیه برای فرات خون در روزآوا

و سازنده با هم می شناسد و به شدت با فمینیسم تفکیک گرایانه و ارتجاعی مرزبندی دارد و به بیان خود آنان، تلاش این جامعه به سوی خودگردانی و دستیابی به حقیقت نامیده می شود. در این سرزمین از ولایت گرایی و ناسیونالیسم قوم پرست سلطه گر و فاسد و تبه کار، نشانی نیست. این الگو، خود را الگویی برای خاورمیانه و به مبادله و تجربه گذاردن در یک گستره انترناسیونالیستی، هرچند نه به مفهوم پرولتری آن، می شناسد. این جنبش که در منطقه انقلاب اش می نامند، به هر نامی، اما در عمل آغاز یک آگاهی و سازمانیابی پیشرو و یک اقدام تاریخی گوشه ای از سرزمین جهانی است، از ریشه جامعه جان می گیرد و باید از آن پشتیبانی کرد. بدون حرکت و خودپویی و خودآگاهی توده های کار و زحمت، و سازمانیابی سوسیالیستی نمی تواند سرانجامی نوین و پیروزمند بیابد. در اینجا جای نقد و بررسی تلاش ها و زاویه ها و جهان بینی پشت آن و حرکت تاریخی و تبیین های تئوریک و فلسفی و یا حتی ایدئولوژیک و طبقاتی و سیاسی این جنبش نیست، هدف این نوشتار تنها بازتاب شرایط ویژه این روزها و لحظه های جنگی و تهاجم هر آینه خونباری است که در صف نخست آن حکومت فاشیستی سرمایه داری ترکیه



توپچی آن ایستاده است. در این شرایط است که حکومت های ارتجاعی و ضد انسانی، در ترکیه، ایران، روسیه و دولت های منطقه و نیز در رقابتی خونبار، در سوی دیگر حکومت های امپریالیستی از جمله دولت آمریکا به رهبری ترامپ، به معامله و رقابت در حال داد و ستد و سیاست اند. اینان هر یک در نقش های متفاوت، برای سهمی بیشتر و منافع اقتصادی و سیاسی افزونتر، در این گستره ی جغرافیایی - سیاسی ویژه، به مداخله نظامی و توطئه نهشته اند. نیروهای سرمایه داری جهانی در ائتلاف ها و اتحادها و رقابت های خویش، همگی دشمن خودگردانی و تجربه شورگرایانه و خود رهبری در این منطقه هستند. دشمنان انسان و جامعه انسانی، در پی منافع و تقسیم و اشغال و سهم خویش در خاورمیانه، این گوشه از سرزمین تازه شکفته را به معامله گذارده اند. موضوع برقراری «منطقه امن» را رهبران ایالات متحده

می کنند و حماسه می آفرینند. و چنین مقاومتی، حتا خونبارتر از کوبانی و عفرین خواهد بود. اراده توده های کار و زحمت اما شکست ناپذیر است. تاریخ دستکم از آشوربانیپال ها و بخت النصرها، داریوش ها، و سپاهیان اسلام برآمده از شبه جزیره عربستان و سپس عثمانیان ... تا کنون گواه این اراده و مقاومت تاریخی اند. حکومت نوعثمانیسم - اخوانیسم ترکیه در شرایطی در آستانه ی حمله و لشکرکشی، دست به ماشه، آماده باش داده است که روزآوا و حتی مناطق و شهرهای آزاد شده در شمال و شرق سوریه، به آزمون های خودگردانی و حاکمیت کمونی در کانتون ها و «مجلس های» خودگردان خویش، امیدوارانه زندگی نوینی را تجربه می کنند. این توده های سوخته و ساخته در دمای

نزدیک به ۵۰ درجه سانتیگراد در بیابان و صحرا و کوه، اینک با زندگی نوینی آشنا می شوند. این جنبش توده ای، زیرستم ترین لایه های طبقاتی را با فرهنگی نو، با خودمدیریتی، قانون گذاری، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، دانش و آموزش سیاسی آشنا و دمخور ساخته است. این جنبش، به ویژه در آکادمی های زنان و در روستاها و شهرها، حضور و نقش و معنای انسانی زن در رهبری مشترک جامعه به تجربه می آورد و با آزمون و خطا، به نقد و ملاحظه و همگرایی می پردازد. این تجربه ها و درونمایه آن ها می توانند با نگاه و نگرش های من و شما خوانندگان این نوشتار متفاوت و یا ناهمگرا باشند، اما آنچه به آن ها ارزش می بخشد، تجربه خودگردانی، گرایش و سوبه و هدفی است که به بیان نمایندگان کمون ها و آموزگاران، تلاش برای رهایی، سمت و سوی ضد سرمایه داری، جامعه اشتراکی، رهایی زن، به این معنا که زنان و مردان را انسان اجتماعی

حکومت ترکیه در تنگنای بحران های اقتصادی و سیاسی، درمانده و شکست خورده در سیاست های داخلی، در مرز تهاجم خونبار دیگری به شمال و شرق سوریه آماده باش داده است. در ادامه سیاست های نوعثمانیسم به رهبری اردوغان و حزب و نیروهای مسلح اش، تحرک و تمرکز نیروهای اشغالگر ترکیه در مرزهای شمالی و شرقی سوریه به ویژه روزآوا، نمایانگر یک فاجعه آفرینی جدیدی است. آشکار است که این بسیج و لشکر کشی ترکیه به سان پنجمین قدرت پیمان نظامی ناتو، از زمین و هوا با بمب افکن ها و پهبادهای همیشه در حال گشت به جامعه ای از زیر خاکستر قرون، ققنوس وار برخاسته چه ابعاد فاجعه باری در بر خواهد داشت! لشکر کشی و حمله از زمین و هوا، با ارتشی از ناتو، به یک جامعه هزاران سال سرکوب شده و تازه به پا خاسته با زنان و مردانی جان برکف، فاجعه بار خواهد بود. اگر ترکیه برای اشغال عفرین قهرمان و به خون کشانیدن مقاومت آن شهر کوچک، با ۷۲ حمله هوایی در یک روز و کشتار و زخمی کردن هزاران نفر، عفرین را در میان آتش و دود و خون به اشغال درآورد، این تدارک حمله نظامی هرآینه در حال انفجار، به ده ها شهر و روستا در کانتون های فرات و جزیره از قامشلو گرفته تا دیرک و کوبانی و تا منبج و وو در تاریخ جنایت های اشغالگران و حکومت های فاشیستی پهلو خواهد زد. این تدارک در حالی صورت می گیرد که بی وقفه مخمور و برخی مناطق پیرامون را در کردستان عراق به زیستگاه مردمان ایزدی و سنگال و نیز کوهها و پایگاه های نیروهای پ.ک.ک در بخش عراق، شبانه روز بمباران و توپ باران می شوند. همدستان با این تدارک ها و کشتارها، همکاری های ارتش ترکیه و سپاه پاسداران حکومت اسلامی به ویژه در حمله به پایگاه ها در کوهستان بر کسی پوشیده نیست. انتقال و تمرکز نیروهای اشغالگر نشانه گرفته به ویژه روی کانتون های جزیره و فرات، اگر انجام بگیرد، بدون شک با مقاومت دلیرانه و تا آخرین قطره خون توده ها از خاکستر و سوختن سده ها ستم برخاسته، روبرو می شود. در این سوی، برای مقاومت و رویارویی، اینک نه تنها یگانهای مقاومت زنان و مردان مسلح و پیشتاز، بلکه همه ملیت ها و قوم های آزاد ساکن در روزآوا سلاح به دست گرفته و در برابر اشغالگران فاشیست تا پای جان ایستادگی

اطلاعیه کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران در مورد تداوم بازداشت فعالین کارگری و اهمیت تلاش برای آزادی آنها

با وجود اعتراضات گسترده در داخل و خارج از کشور علیه تداوم بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری در ایران، هنوز شماری از فعالین کارگری از جمله، دستگیر شدگان اعتراضات و اعتصابات کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، دستگیر شدگان روز جهانی کارگر امسال و شمار دیگری از فعالان کارگری در زندانهای گوناگون ایران بازداشت و زندانی هستند.

سوی این، دستگاه قضائی جمهوری اسلامی فشار بر کارگران و فعالین کارگری و سایر جنبش های رادیکال اجتماعی را افزایش داده و هر روز و به بهانه های واهی از جمله اتهام نخ نمای "اقدام علیه امنیت ملی" شماری از فعالین جنبش کارگری را احضار، بازداشت و با پرونده سازی برای آنان بازداشت و زندانی می کند.

کلیه این اقدامات رژیم و بگیر و ببندهای دستگاه قضائی، نشانه های انکار ناپذیری بر تعمیق بحران و ناتوانی رژیم در پاسخگویی به خواست ها و مطالبات کارگران و سایر اقشار فرودست در جامعه و تعمیق و تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه ایران است؛ مبارزاتی که در کف خیابان و زندانها بشکل گسترده و به درجاتی سازمان یافته در جریان است، مبارزاتی که در شکل اعتراضات و اعتصابات کارگری ادامه دارد و در این روزها شاهد اعتصاب غذائی سپیده قلیان از دستگیر شدگان اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه و حمایت از وی و سایر کارگران زندانی در سطح گسترده ائی هستیم..

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران، ضمن محکوم کردن تداوم بازداشت کارگران و فعالین کارگری در ایران، کلیه احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست، مردم آزادیخواه و مبارز را به شرکت گسترده در اقدامات اعتراضی در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی دعوت می کند. در همین راستا کلیه حوزه ها و تشکیلات های حزب کمونیست ایران در خارج از کشور از همکاری و اتحاد عمل با سایر سازمانها و نیروهای چپ و کمونیست استقبال می کنند.

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران
۲۴ ژوئیه ۲۰۱۹

➔ آمریکای شمالی به رهبری ترامپ و در راستای منافع ترکیه و ناتو پیش روی نهاد. رهبران آمریکا تلاش می کنند اردوغان و همقطاران اش را با ایجاد و برقراری منطقه امن به خود نزدیک تر سازند، تا از روسیه فاصله گیرد. هدف حکومت ترکیه ایجاد «منطقه ای امن» برای ارتش خود در پشت دیوارهای بلند و نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتری میان کردستان کشیده شده نیست؛ هدف حکومت ترکیه سرکوب و نابودی کل مقاومت و کانتون ها و خودگردانی توده ها در روژآوا است. حکومت ترکیه به سان، نیروی اشغالگر سرمایه داری، عفین را دو سال پیش، اشغال کرد و با بسیج نیروهای مزدور النصر و داعشی و بسیاری از جنایتکاران حرفه ای، مذهبی و نژادپرست و... شبانه روز به ویرانی دست زده، می سوزاند؛ ویران می کند و خون می ریزد. حکومت ترکیه شهر ادلب سوریه را به گونه ای با تمرکز هزاران آدمکش متراکم کرده، ادلب را به اشغال درآورده و نزدیک به ۳۰۰ هزار آواره از مناطق دیگر و ساکنان این منطقه را در برابر بمباران ها و توپ باران های بشکه ای و شیمیایی ارتش سوریه و ایران و روسیه سپر دفاعی ساخته. حکومت ترکیه، در آن سوداست که پیوند بین یگانهای مقاومت خلق و زنان و مردان مسلح و میلیس را قطع کند، مرزها را تا دهها کیلومتر به فضای خالی از حضور مردم و نیروهای مقاومت برای خویش امن سازد، تا با فراغ بال سراسر روژآو و کل شمال و شرق سوریه را به اشغال درآورد و منکوب سازد.

اینک وظیفه هر انسان آزاده، جنبش سوسیالیستی، سازمان ها، حزب ها و نیروهای سوسیالیست و کمونیست و آزادیخواه است که به هرگونه به پشتیبانی از توده های به پاخاسته و جنبش مقاومت این سرزمین در محاصره و رویاروی با فاشیسم ترکیه، حکومت های جمهوری اسلامی، سوریه و عراق و روسیه ووو ایستادگی می کنند برآیند. این بسیج، تهاجم و توطئه فاجعه بار را تنها با پشتیبانی انترناسیونالیستی و همبستگی بین المللی می توان بازدارنده شد و گرنه با دخالتگری به ویژه آمریکا در پوشش میانجی، این جنبش پیشرو و توده های امیدوار و الگوی خصلت های انقلابی، به خون کشانیده خواهند شد. و شعارهای «ضدامپریالیستی» مجازی، همچنان، روی کاغذها موربانه خواهند خورد و یا در فضای مجازی در مجاز هم نخواهند ماند.

دیرک / روژآوا ۲۵ ژولای ۲۰۱۹

نماینده کمیته کومه له در خارج کشور
K.K. P.O.Box75026
750 26 Uppsala - Sweden
Fax: 004686030981
representation@komalah.org
Tel: 0046 8 6030981

کمیته خارج کشور
0046-707 254 016
kkh@cpiran.org

دبیرخانه حزب کمونیست ایران
C.D.C.R.I. Box 2018
127 02 Skärholmen
SWEDEN
dabirxane.cpi@gmail.com

آدرس های حزب
کمونیست ایران
و کومه له